

# امریک - عموم احبای الهی علیهم بهاء الله الابہی

حضرت عبدالہاء

نسخہ اصل فارسی



## امریک

عموم احبای الهی علیهم بهاء اللہ الابہی  
ہو اللہ

ای یاران الهی، عبدالہاء شب و روز بیاد شما و بذکر شما مشغول زیرا یاران الهی در نزد عبدالہاء عزیزند و در سحرگاہان تضرع بملکوت اللہ مینمایم و شما را استفاضہ از نفثات روح القدس میطلبم تا شمعہای روشن شوید و بنور ہدایت بدرخشید و ظلمت ضلالت را زائل نمائید مطمئن باشید تأییدات ملکوت ابہی پی در پی میرسد.

شجرہ حیات از بہار الهی و ریزش ابر آسمانی و حرارت شمس حقیقت تازہ بنای نشو و نما گذاشتہ عنقریب گل و شکوفہ نماید و برگ و بار بار آرد و بر شرق و غرب سایہ اندازد و این شجرہ حیات کتاب میثاق است.

ولی در این ایام در امریکا بادہای شدیدی بر سراج میثاق احاطہ نمودہ تا این سراج روشن را خاموش کند و این شجرہ حیاترا از ریشہ براندازد.



ORIGINAL



AUDIO

بعضی نفوس ضعیفه نوهوس از اهل غرض و بی خبر از زلزله بغض و عداوت متزلزل شده و همت را گاشتند که عهد و میثاق الهی را محو نمایند و آب صافی را گل آلود کنند تا در این گل آلودی ماهی صید نمایند بر مرکز میثاق طغیان نموده‌اند بعینه مثل بیانان که بر جمال مبارک هجوم نمودند هر دمی اقترائی زدند و در هر روزی بهانه ئی کنند و خفياً القای شبهات نمایند تا بکلی میثاق بهاء الله در امریکا محو و نابود گردد.

ای یاران الهی، بیدار باشید بیدار باشید هشیار باشید هشیار باشید.

حضرت باب عهد و میثاق جمال مبارکرا از جمیع اهل بیان گرفت که در یوم ظهور من یظهره الله و سطوع انوار بهاء الله مؤمن و موقن شوند و بخدمت پردازند و اعلاء کلمه الله نمایند. بعد اهل بیان چون میرزا یحیی و بسیاری اشخاص بر ضد جمال مبارک قیام نمودند و انواع مفتریات برستند و بنفوس القای شبهات کردند و از کتب حضرت باب که جمیع ذکر من یظهره الله است استدلال بر بطلان بهاء الله مینمودند. هر روز رساله بر ضد بهاء الله نوشته انتشار میدادند و مردم را بتشویش و اضطراب میانداختند و بنهایت اذیت و ظلم بر حضرت بهاء الله قیام نمودند و خود را بر عهد حضرت باب ثابت میشمردند تا آنکه انوار عهد حضرت باب آفاقرا روشن کرد و جمیع نفوس مؤمنین مخلصین از ظلمات نقض اهل بیان نجات یافتند. و مانند شمع روشن برافروختند و جمال مبارک در جمیع الواح و رسائل احبای صادق ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد حضرت باب منع فرمودند که نفسی نزدیکی بآنان نکند زیرا نفسشان مانند سمّ ثعبان میماند فوراً هلاک میکند.

از جمله در کلمات مکنونه میفرماید "مصاحبت ابرار را غنیمت دان و از مرافتت اشرار دست و دل هر دو بردار" و خطاب باحباً میفرماید که "معلوم آنجناب بوده که زود است شیطان در قیص انسان در آن ارض وارد شود و اراده نماید که احبای جمال سبحانرا بوساوس نفسیه و خطوات شیطانیّه از صراط عرّ مستقیمه منحرف سازد و از شاطئ قدس سلطان احدیه محروم نماید اینست از خبرهای مستوره که اصفیا را بآن آگاه فرمودیم که مبادا بمجالست آن هیاکل بغضیه از مقام محمود ممنوع شوند. پس بر جمیع احبّاء الله لازم که از هر نفسی که رائحه بغضا از جمال عرّ ابهی ادراک نمایند از او احتراز جویند اگر چه بکلّ آیات ناطق شود و بکلّ کتب تمسک جوید" الی ان قال عرّ اسمّه" پس در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبادا بدام تزویر و حيله گرفتار آیند اینست نصیح قلم تقدیر

و در خطاب دیگر میفرماید "پس از چنین اشخاص اعراض نمودن اقرب طرق مرضات الهی بوده و خواهد بود چه که نفسشان مثل سمّ سرایت کننده است"

و در خطاب دیگر میفرماید "ای کاظم چشم از عالمیان بپوش و ماء حیوان عرفانرا از ید غلمان سبحان بنوش و گوش بمزخرفات مظاهر شیطان مده چه که الیوم مظاهر شیطانیه بر مراصد صراط عزّ احدیه جالسند و ناس را بکلّ حیل و مکر منع مینمایند و زود است که اعراض اهل بیانرا از مظهر رحمن مشاهده نمائی"

و در خطاب دیگر میفرماید "بسیار در حفظ نفوس خود سعی نمایند چه که شیاطین بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و بهر نفسی بطریق او برآیند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود وا گذارند"

و در خطاب دیگر میفرماید "هر نفسی که از او غلّ غلام استشمام نمائید از او اعراض کنید اگر چه بزه اولین و آخرین ظاهر شود و یا بعبادت ثقلین قیام نماید"

و همچنین در خطابی دیگر میفرماید "ای مهدی جمیع باین کلمات مطّلع شده از مظاهر سجّینیه و مطالع نمرودیه و مشارق فرعونیه و منابع طاغوتیه و مغارب جبّتیّه اعراض نمایند و همچنین میفرماید "قل ان یا احبائی ثمّ اصفیائی اسمعوا نداء هذا الحبيب المسجون فی هذا السجن الاکبر ان وجدتم من احد اقلّ من ان یحصی روائح الاعراض فاعرضوا عنه ثمّ اجتنبوه" تا آنکه میفرماید "لأنهم مظاهر الشیطان"

و در خطابی دیگر میفرماید "و بمنظر اکبر ناظر باشید عنقریب روائح منتنه انفس خبیثه بر آندیار مرور نماید انشاء الله در آن ایام محفوظ مانید"

در انجیل متی در فصل ثامن عشر در آیه ششم حضرت مسیح میفرماید "و من اعثر احد هؤلاء الصغار المؤمنین بی نغیر له ان یعلق فی عنقه حجر الریحی و یغرق فی لجة البحر ویل للعالم من العثرات فلا بدّ ان تأتي العثرات ولكن ویل لذلك الانسان الذی به تأتي العثرة فان اعثرک یدک او رجلک فاقطعها و القها عنک خیر لک ان تدخل الحیة اعرج او اقطع من ان تلقی فی النار الابدیة و لک یدان او رجلان و ان اعثرک عینک فاقطعها و القها عنک خیر لک ان تدخل الحیة اعور من ان تلقی فی جهنّم النار و لک عینان"

و در اصحاح حادی و العشرون در انجیل متی در آیه ۳۸ میفرماید "و اما الکرامون فلما رأوا الابن قالوا فیما بینهم هذا هو الوارث هاموا نقتله و نأخذ میراثه فاخذوه و أخرجوه خارج الکرم و قتلوه" و همچنین فی الاصحاح الثانی و العشرين در آیه چهاردهم میفرماید "لأنّ کثیرین یدعون و قلیلین ینتخبون"

و در آثار مبارک الواح حضرت بهاءالله البتّه در هزار موقع مذکور و نفرین بر ناقضین میثاق مینمایند بعضی از آن کلمات آسمانی ذکر میشود.

باری جمیع احبای امریکا میدانند که مؤسس این فساد یعنی نقض میثاق نفوسی هستند که جمیع احبای الهی مقاصد ایشانرا میدانند سبحان الله با وجود این فریب آنانرا میخورند الحمد لله شما بنهایت وضوح میدانید حضرت مسیح بنهایت محبت و مهربانی بود ولی نفوسی بودند مانند یهودای استخریوطی باعمال خودشان از مسیح جدا شدند پس چه ذنبی بر مسیح بود حال ناقضین عنوانی کردند که عبداله‌باء استبداد دارد و نفوسی را اخراج میکند و مانند پاپا محروم می نماید ابداً چنین نیست هر نفسیکه جدا شد باعمال و دسایس و وساوس خویش خود را محروم نمود اگر این اعتراض بر عبداله‌باء وارد باید اعتراض بر جمال مبارک نمایند که بصراحت بحکم قاطع احبّاء را از معاشرت و الفت با ناقضین از اهل بیان منع فرمود.

(مناجات) ای ربّ میثاق ای نیر آفاق عبداله‌بای مظلوم در دست نفوسی بظاهر اغنام و بحقیقت گرگان درنده گرفتار گشته. هر ظلمی مجری میدارند و بنیان میثاقرا ویران مینمایند و ادّعی بهائی میکنند. تیشه بر ریشه شجره میثاق میزنند و خود را مظلوم می‌شمرند. نظیر بیانها که میثاق حضرت بابرا شکستند و از شش جهت تیر طعن و مفتریات بر هیکل مبارک زدند با این ظلم عظیم خود را مظلوم می‌شمرند. حال این عبد آستانت نیز گرفتار ظالمان گشته. و در هر ساعتی حيله و مکرری مینمایند و اقترائی میزنند.

یا بهاء الابهی حصن حصین امر ترا از این دزدان محافظه نما و سراجهای ملکوترا از این بادهای مخالف مصون بدار. یا بهاء الابهی عبداله‌باء دمی آرام نگرفت تا آنکه امر ترا بلند نمود و علم ملکوت ابهی در جمیع آفاق موج زد. حال نفوسی چند بدسائس و وساوس قیام کرده اند که این علم مبین در امریک سرنگون گردد ولی امید من بتأییدات تو است مرا فرید و وحید و مظلوم مگذار چنانکه شفاهاً و خطاً وعده حتمی فرمودی که این آهوی صحرای محبت را از هجوم کلاب بغض و عدوان حفظ میفرمائی و این برّه مظلوم ترا از چنگ و دندان ذء آب کاسره نجات می‌بخشی. منتظر ظهور عنایات و تحقّق وعد محتوم تو هستم. توئی حافظ حقیقی و توئی ربّ الميثاق. پس این سراجیرا که تو افروختی از این اریاح شدید حفظ فرما یا بهاء الابهی از جهان و جهانیان گذشتم و از بیوفایان دل شکسته گشتم و آزرده شده‌ام و در قفس این جهان چون مرغ هراسان بال و پر میزنم. و هر روز آرزوی پرواز بملکوت میکنم. یا بهاء الابهی مرا جام فدا بنوشان و نجات بخش و از این بلایا و محن و صدمات و مشقت آزاد کن توئی معین و نصیر و ظهیر و دست گیر.

باری بعضی از آثار و مناجات و آیات جمال مبارک که نهی از معاشرت ناقضانست درج میشود در مناجات فارسی میفرماید "این عبد را حفظ نما از شبهات نفوسیکه اعراض نموده اند و از دریای علمت

ممنوعند الهی الهی احفظ عبدک بجدک و کرمک من شرّ اعدائک الذین نقضوا عهدک و میثاقک“ و در جای دیگر میفرماید“ ای پروردگار من و مقصود جان من بید قدرت این ضعیف را از نعیق ناعقین حفظ نما“ ناعق گوساله بنی اسرائیل است.

و همچنین میفرماید“مبغوض مرا محبوب خود دانسته اید و دشمن مرا دوست خود گرفته اید“

و همچنین میفرماید“صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزدايد من اراد ان یأنس مع الله فلیأنس مع احبائه و من اراد ان یسمع کلام الله فلیسمع کلمات اصفیائه“

و همچنین میفرماید“با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جانرا بنار حسابان تبدیل نماید اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده اند“ و همچنین میفرماید“رأس الذلّة هو الخروج عن ظلّ الرحمن والدخول فی ظلّ الشیطان“

و همچنین میفرماید“ای عباد نیست در این قلب مگر تجلیات انوار صبح لقا و تکلم نینماید مگر بر حقّ خالص از پروردگار شما پس متابعت نفس نمائید و عهد الله را نشکنید و نقض میثاق مکنید باستقامت تمام بدل و قلب و زبان باو توجه نمائید و نباشید از بیخردان“

و همچنین میفرماید“انتم نسیتم عهد الله و نقضتم میثاقه“

و همچنین میفرماید“ان جائکم احد بکتاب الفجار دعوه ورائکم من الناس من نقض الميثاق و منهم من اتبع ما امر من لدن علیم حکیم لیس ضرّی سبحی و بلائی و ما یرد علیّ من طغاة عبادی بل عمل الذین ینسبون انفسهم الی هذا المظلوم و یرتکبون ما تضحیح به حرمة الله بین خلقه الا انهم من المفسدین“

و همچنین از لسان ناقضین میفرماید“قد جعلت المنابر لذكرك و ارتفاع کلمتک و اظهار امرک و اتّی ارتقیّت علیها لاعلاء نقض عهدک و میثاقک“

و همچنین میفرماید“خذوا ما امرتم به و لا تتبعوا الذین نقضوا عهد الله و میثاقه الا انهم من اهل الضلال“.

و همچنین میفرماید“ان الذین نکثوا عهد الله فی اوامره و نکصوا علی اعقابهم اولئک من اهل الضلال لدی الغنی المتعال“

و همچنين ميفرمايند ”انّ الذين وفوا بميثاق الله اولئك من اعلى الخلق لدى الحق المتعال ان الذين غفلوا اولئك من اهل النار عند ربك العزيز المختار“

و همچنين ميفرمايند ” طوبى لعبد آمن و لامة آمنت و ويل للمشركين الذين نقضوا عهد الله و ميثاقه و عرضوا عن صراطى المستقيم“ و همچنين ميفرمايند ”اسألك ان لا تخيبنى عمّا عندك و ما قدرته لخيرة خلقك الذين ما نقضوا عهدك و ميثاقك قل موتوا بغيظكم قد اتى من ارتعدت به فرائص العالم و زلت به الاقدام الا الذين ما نقضوا عهدهم و اتبعوا ما انزله الله فى الكتاب“ و همچنين ميفرمايند ”انّ الذى تزىّن برداء الوفاء بين الارض و السماء يصلّى عليه الملائة الاعلى و الذى نقص العهد يلعنه الملك و الملكوت“

و همچنين ميفرمايند ”خذ ما نزل لك بقوة تعجز عنها ايدى الكفار الذين نقضوا ميثاق الله و عهده و عرضوا عن الوجه“

و همچنين ميفرمايند ”يا يحيى قد اتى الكتاب خذه بقوة من لدنا و لا تتبع الذين نقضوا ميثاق الله و عهده و كفروا بما نزل من لدن مقتدر علام“

و همچنين ميفرمايند ”قد اصبحت اليوم يا الهى فى جوار رحمتك الكبرى و أخذت القلم لاذكرك بحولك بذكريكون بمنزلة النور للاحرار و بمثابة النار للاشرار الذين نقضوا ميثاقك و عرضوا عن آياتك و نبذوا عن ورائهم كوثر الحيوان الذى ظهر بأمرك و جرى من اصبع ارادتك“

و همچنين در توقيعى بعبدالهاء ميفرمايند ”يا الهى هذا غصن النشعب من دوحة فردائيتك و سدره وحدائيتك تراه يا الهى ناظراً اليك و متمسكاً بجبل الطافك فاحفظه فى جوار رحمتك انت تعلم يا الهى انى ما اریده الا بما اردته و ما اخترته الا بما اصطفيته فانصره بجنود ارضك و سمائك و انصر يا الهى من نصره ثم اختر من اختاره و ايد من اقبل اليه ثم اخذل من انكره و لم يرده اى رب ترى حين الوحي يتحرك قلبى و ترتعش اركاني اسألك بولهى فى حبك و شوقى فى اظهار أمرک بان تقدّر له و لمحبيّه ما قدرته لسفرائك و امناء و حيك انك أنت الله المقتدر القدير“

”تالله يا قوم بيكى عينى و عين عليّ على الرفيق الاعلى و يضحّ قلبى و قلب محمد فى السرادق الابهى و يصيح فؤادى و افئدة المرسلين عند اولى النهى ان انتم من الناظرين لم يكن حزنى من نفسى بل على الذى يأتى من بعدى فى ظلل الامر بسطان لائح مبين لانّ هؤلاء لا يرضون بظهوره و ينكرون آياته و يجحدون بسلطانه و يحاربون بنفسه و يخادعون فى أمره كما فعلوا بنفسه فى تلك الايام و كنتم من الشاهدين“



و همچنین در توقیعی بعد البهاء میفرمایند ”یا غصن اعظم لعمر الله نوازلک کدرتئی و لکن الله یشفیک و یحفظک و هو خیر کریم و احسن معین البهاء علیک و علی من یخدمک و یطوف حولک و الویل و العذاب لمن یخالفک و یؤذیک طوبی لمن والاک و السقر لمن عاداک“

و همچنین میفرماید ”هل یمکن بعد اشراق شمس وصیبتک من افق اکبر الواحک ان تزلّ قدم احد عن صراطک المستقیم قلنا یا قلبی الاعلی ینبغی لک ان تشتغل بما أمرت من لدی الله العلیّ العظیم لا تسأل عمّا یدوب به قلبک و قلوب اهل الفردوس الذین طافوا حول امری البدیع لا ینبغی لک بان تطّلع علی ما سترناه عنک ان ربک هو الستار العلیم توجه بوجهک الانور الی المنظر الاکبر و قل یا الهی الرحمن زینّ سماء البیان بانجم الاستقامة و الامانة و الصدق انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المدبّر الکریم“.

باری از این بیانات مبارک و بیانات حضرت مسیح واضح و ثابت و محقق شد که انسان باید با نفوسی که بر عهد و میثاق ثابتند معاشرت نماید و با ابرار الفت کند زیرا قرین سوء سبب می شود که سوء اخلاق سرایت می نماید نظیر مرض جذام که ممکن نیست انسان با مجذوم الفت و معاشرت نماید و مرض جذام سرایت نکند این بجهت حفظ و صیانت است.

این نصّ انجیل را ملاحظه کنید که برادران حضرت مسیح آمدند نزد حضرت مسیح عرض کردند که اینها برادران شما هستند. فرمودند که برادران من نفوسی هستند که مؤمن بخدا هستند و قبول نمودند که با برادران معاشرت و مجالست نمایند بهمچنین قرّة العین که معروف آفاق است وقتی که مؤمن بخدا شد و منجذب بنفحات الهی گشت از دو پسر بزرگ خویش بیزار شد. زیرا مؤمن نشدند و دیگر ابداً بانها ملاقات نکرد و حال آنکه دو اولاد رشید او بودند و میگفت که احبای الهی جمیع پسران من هستند ولی این دو ابداً پسر من نیستند و بیزارم.

ملاحظه نمائید که باغبان الهی شاخه خشک و یا ضعیف را از شجره طیّبه قطع می نماید و شاخ درخت دیگر را باین شجره پیوند می نماید هم فصل میکند و هم وصل میکند اینست که حضرت مسیح میفرماید که از جمیع آفاق می آیند و داخل در ملکوت میشوند و ابناء ملکوت از ملکوت خارج میشوند

نوه نوح کنعان در نزد نوح مردود بود و دیگران مقبول برادران جمال مبارک از جمال مبارک منفصل شدند و ابداً جمال مبارک با آنها ملاقات نمیفرمودند و هذا فراق بینی و بینکم میفرمودند جمیع اینها نه این بود که جمال مبارک استبداد مجری میداشتند ولی اینها باعمال و افعال و اقوال خود از الطاف و عنایات مبارک محروم ماندند.

حضرت مسیح در قضیه یهودای اسخریوطی و برادران خویش استبداد مجری نداشتند ولی آنان خود را محروم نمودند باری مقصود اینست که عبدالبهاء بی نهایت مهربانست ولی مرض مرض جذام است چه کند همچنانکه در امراض جسمانی باید معاشرت و سرایت را منع کرد و قوانین حفظ الصحه را مجری داشت زیرا امراض ساریه جسمانی بنیان بشر را براندازد بهمچنین باید نفوس مبارکه را از روائح کریهه و امراض مهلکه روحانی محافظه و صیانت کرد و الا نقض نظیر مرض طاعون سرایت میکند و کلّ هلاک میشوند در بدایت صعود مبارک مرکز نقض تنها بود بعد کم کم سرایت کرد و این بسبب الفت و معاشرت واقع شد. ۱۴ نوامبر سنه ۱۹۲۱ عبدالبهاء عباس

